اخبار

پیام فرمانده سپاه از شهر موشکی جدید

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: اتفاقاتی که برای دشمنان ما رخ می‌دهد،



تازه ابتدای کار است و ذلت و زبونی بی‌اندازه آنان را خواهید دید و خواهیم دید.

به گزارش ایرنا، سرلشکر پاسدار احمد وحیدی روز شنبه در شهر موشکی جدید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: دبیرکل ناتو اعلام کرد که پنج‌هزار پرواز از سوی کشورهای عضو این سازمان انجام شده است، این اظهارنظری بود که نشان می‌داد همه آنها در میدان حضور داشتند. اما به اذن خداوند، «کَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِیلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً کَثِیرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ».

فرمانده کل سپاه افزود: اتفاقاتی که برای دشمنان ما رخ می‌دهد، تازه ابتدای کار است. ذلت و زبونی بی‌اندازه آنان را خواهید دید و خواهیم دید.

سرلشکر وحیدی ادامه داد: ان‌شاءالله به فضل الهی، آشکار خواهد شد که حق بر باطل پیروز است: خداوند اراده فرموده است حق را محقق و باطل را نابود کند.

طرح مجلس برای افزایش مجازات قتل فرزند

یک عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی از ثبت طرح دوفوریتی اصلاح ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی در سامانه مجلس خبر داد و گفت: در این طرح پیش‌بینی شده است مجازات پدر یا جد پدری در صورت قتل فرزند، به حداقل ۲۵ سال حبس افزایش یابد و هیچ‌گونه تخفیفی شامل این مجازات نشود.

احمد بیگدلی، نماینده مردم خدابنده در مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به طرح دوفوریتی اصلاح ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی بیان کرد: بر اساس ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی، در مواردی که پدر یا جد پدری مرتکب قتل فرزند خود شود، امکان اجرای قصاص وجود ندارد و مطابق ماده ۶۱۲ این قانون، برای چنین جرمی مجازات سه تا پنج سال حبس در نظر گرفته شده است. وی با بیان اینکه مجازات فعلی برای چنین جرایمی کافی و بازدارنده نیست، اظهار کرد: با توجه به مسائل شرعی و قانونی، قصاص در این موارد انجام نمی‌شود، اما مجازات سه تا پنج سال حبس برای قتل یک انسان، حتی اگر مرتکب، پدر مقتول باشد، بسیار کم است و باید مورد بازنگری قرار گیرد. این عضو کمیسیون اجتماعی مجلس با اشاره به مشورت‌های انجام‌شده با حقوقدانان برای تدوین این طرح گفت: پیشنهاد ما این است که مجازات این دسته از جرایم به حداقل ۲۵ سال حبس افزایش پیدا کند و این مجازات از نوع تعزیری درجه یک باشد و هیچ‌گونه تخفیفی نیز شامل آن نشود. بیگدلی با تأکید بر اینکه دامنه این مجازات باید قتل به صورت مستقیم و غیرمستقیم را نیز دربر بگیرد، ادامه داد: در این زمینه باید مواردی که فرد به صورت مستقیم مرتکب قتل شده یا به شکل غیرمستقیم در وقوع آن نقش و عاملیت داشته است، مورد توجه قرار گیرد. وی با اشاره به پرونده مطرح‌شده درباره مرگ سوگند صیادی توسط پدرش گفت: در این پرونده، پدر مدعی شده که صرفاً با مقتول مشاجره داشته و پس از آن، وی خودکشی کرده است؛ البته هنوز مشخص نیست که آیا این فرد به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در وقوع قتل نقش داشته است و این موضوع باید از طریق بررسی‌های قانونی مشخص شود. این عضو کمیسیون اجتماعی مجلس درباره آخرین وضعیت طرح اصلاح ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی نیز گفت: این طرح در سامانه مجلس ثبت شده است. پیش از ثبت نیز مشورت‌های لازم را انجام داده بودم و اکنون باید معاونت قوانین مجلس از نظر شکلی و کلی آن را بررسی کند تا در صورت نداشتن ایراد، روند بررسی آن ادامه پیدا کند.

بیگدلی اضافه کرد: پس از تأیید طرح، نمایندگان می‌توانند آن را امضا کنند تا برای بررسی به کمیسیون مربوطه ارسال شود. ادامه روند و تعیین اولویت بررسی نیز بر عهده هیئت‌رئیسه مجلس خواهد بود. وی ابراز امیدواری کرد با تصویب این طرح و افزایش مجازات‌های پیش‌بینی‌شده، زمینه پیشگیری از وقوع چنین جرایمی فراهم شود.

پزشکیان از جنگ خاموش اقتصادی می‌گوید و سخنگوی دولت از درک مشکلات مردم

دولت در آزمون اعتماد و معیشت

در شرایطی که فشارهای اقتصادی بر زندگی خانوارها و فعالیت بنگاه‌های تولیدی سایه انداخته، دو اظهارنظر تازه از سوی رئیس‌جمهور و سخنگوی دولت، بار دیگر مسئله رابطه میان اعتماد عمومی و کارآمدی اقتصادی را مطرح کرده است. مسعود پزشکیان در همایش سالانه بازار سرمایه، شرایط کنونی را جنگی خاموش و دشوارتر از جنگ موشکی توصیف کرد و فاطمه مهاجرانی نیز تأکید داشت پیام رئیس‌جمهور به مردم، درک مشکلات آنان است. هر دو سخن بر واقعیتی مهم انگشت می‌گذارند: عبور از تنگناهای کشور بدون همراهی جامعه و فعالان اقتصادی ممکن نیست. بااین‌حال، پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان این همراهی را از سطح پیام‌های امیدبخش به نتایج ملموس در بازار، کارخانه و سفره خانوار رساند؟



سخنان پزشکیان و مهاجرانی دو بخش مکمل یک ضرورت ملی را یادآوری می‌کند: شناخت دشواری‌ها و حفظ اعتماد عمومی. با وجود این، حلقه تعیین‌کننده میان آن دو، کیفیت اجراست

پذیرش واقعیت؛ آغاز راه

پزشکیان روز شنبه در جمع فعالان بازار سرمایه گفت کشور درگیر جنگ اقتصادی دشواری است و از تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران بابت حفظ جریان تولید قدردانی کرد. او همچنین تأکید داشت که پذیرش وجود مشکلات، نخستین گام برای حل آنهاست. این رویکرد از آن جهت اهمیت دارد که انکار دشواری‌های معیشتی، فاصله میان برداشت رسمی و تجربه روزمره مردم را افزایش می‌دهد. بیان صریح محدودیت‌ها می‌تواند زمینه گفت‌وگویی واقع‌بینانه میان دولت و جامعه فراهم کند.

اما پذیرش مشکل، هرچند ضروری، به‌تنهایی پاسخگوی انتظار عمومی نیست. شهروندی که با افزایش هزینه‌های زندگی روبه‌روست، در کنار شنیدن توضیح درباره علت بحران، می‌خواهد بداند چه اقدامی، در چه زمانی و با چه نتیجه‌ای انجام خواهد شد. اعتبار سخنان مسئولان زمانی تقویت می‌شود که وعده‌ها به برنامه‌های زمان‌بندی‌شده و گزارش‌های منظم از میزان پیشرفت تبدیل شوند.

سرمایه اجتماعی با عملکرد ساخته می‌شود

فاطمه مهاجرانی در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که دفاع از ایران هم به قدرت نظامی نیاز دارد و هم به سرمایه اجتماعی. او تأکید کرد مردم وقتی احساس کنند رئیس‌جمهور مشکلاتشان را می‌فهمد، در روزهای سخت نیز همراه کشور می‌مانند. این سخن به یکی از ضرورت‌های مدیریت بحران اشاره دارد؛ هیچ سیاست اقتصادی دشواری بدون حداقلی از اعتماد و مشارکت عمومی به نتیجه مطلوب نمی‌رسد.

بااین‌حال، احساس شنیده‌شدن تنها یکی از پایه‌های اعتماد است. پایه دیگر، مشاهده تغییر در کیفیت خدمات عمومی و ثبات نسبی تصمیم‌های اقتصادی است. اگر مردم به صرفه‌جویی دعوت شوند اما هم‌زمان نشانه روشنی از کاهش اتلاف منابع در دستگاه‌های اجرایی نبینند، پیام همراهی ممکن است اثر خود را از دست بدهد. سرمایه اجتماعی نه با تکرار شعار، بلکه با رفتار قابل پیش‌بینی، عدالت در تقسیم هزینه‌ها و پاسخگویی مسئولان تقویت می‌شود.

زمستان و آزمون وعده انرژی

یکی از بخش‌های مهم سخنان رئیس‌جمهور به تأمین برق و گاز صنایع اختصاص داشت. پزشکیان اعلام کرد در صورت ضرورت اعمال محدودیت، تولید باید آخرین بخشی باشد که انرژی آن قطع می‌شود. او حتی خواستار تقدم صرفه‌جویی در دستگاه‌های دولتی بر قطع انرژی کارخانه‌ها شد. این اولویت‌گذاری از منظر اشتغال و حفظ عرضه کالا قابل دفاع است؛ زیرا توقف تولید می‌تواند هم درآمد کارگران را کاهش دهد و هم فشار بیشتری بر قیمت‌ها وارد کند.

بااین‌همه، اجرای چنین تصمیمی نیازمند سازوکاری روشن است. لازم است دولت پیش از اوج مصرف زمستانی، معیارهای توزیع محدودیت انرژی، میزان صرفه‌جویی دستگاه‌های عمومی و برنامه جبران خسارت احتمالی صنایع را اعلام کند. در غیر این صورت، تصمیم درست در سطح سیاست‌گذاری ممکن است در مرحله اجرا با استثناها و ناهماهنگی‌ها روبه‌رو شود. حمایت از تولید زمانی واقعی است که بنگاه اقتصادی بتواند برای هفته‌ها و ماه‌های آینده برنامه‌ریزی کند.

شرکت‌های زیان‌ده و هزینه‌ای که پنهان نمی‌ماند

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنانش از تداوم فعالیت بنگاه‌های زیان‌ده و پرداخت پاداش به برخی مدیران آنها انتقاد کرد. او پرسید چگونه می‌توان از مهار کسری و جلوگیری از خلق پول سخن گفت، اما زیان شرکت‌ها را همچنان از منابع عمومی جبران کرد. این پرسش، به یکی از مسائل دیرپای مدیریت اقتصادی کشور مربوط می‌شود: هزینه تصمیم‌های ناکارآمد در نهایت به بودجه عمومی و قدرت خرید جامعه منتقل می‌شود. نکته مهم آن است که اصلاح بنگاه‌های زیان‌ده نباید به تغییر چند مدیر یا اعلام فهرستی از شرکت‌ها محدود بماند. انتشار صورت‌های مالی قابل فهم، تعیین شاخص‌های بهره‌وری و ارزیابی مستقل عملکرد می‌تواند نشان دهد کدام شرکت نیازمند اصلاح مدیریت، کدام نیازمند تغییر ساختار و کدام مستلزم تصمیمی بنیادی‌تر است. البته در این مسیر باید حقوق کارکنان و پیامدهای اجتماعی تصمیم‌ها نیز مورد توجه قرار گیرد.

قیمت‌گذاری؛ میان تولیدکننده و مصرف‌کننده

پزشکیان همچنین از قیمت‌گذاری دستوری انتقاد کرد، اما هشدار داد که حذف آن به معنای آزادی افزایش خودسرانه قیمت‌ها نیست. این تمایز در شرایط کنونی اهمیت دارد. تحمیل قیمت پایین‌تر از هزینه واقعی می‌تواند تولید را تضعیف کند؛ در مقابل، رهاسازی شتاب‌زده بازار بدون رقابت و نظارت مؤثر، فشار بیشتری بر مصرف‌کننده وارد خواهد کرد.

بنابراین، اصلاح قیمت‌ها باید با تقویت رقابت، شفافیت هزینه‌ها و حمایت هدفمند از گروه‌های آسیب‌پذیر همراه باشد. دولت نمی‌تواند از یک سو انتظار سرمایه‌گذاری و افزایش تولید داشته باشد و از سوی دیگر، درباره پیامدهای معیشتی اصلاحات اقتصادی توضیح روشنی ارائه نکند. سیاست موفق باید هم امکان ادامه فعالیت بنگاه را حفظ کند و هم از انتقال بی‌ضابطه هزینه‌ها به خانوار جلوگیری کند.

از گفت‌وگو تا تعهد قابل سنجش

رئیس‌جمهور بر ضرورت اصلاح مقررات مخل کسب‌وکار، شایسته‌سالاری و رفع نابرابری در تخصیص منابع میان تهران و استان‌ها نیز تأکید کرد. این موضوعات نشان می‌دهد دولت تصویری نسبتاً گسترده از مسائل ساختاری پیش رو دارد. بااین‌حال، گستردگی فهرست مشکلات، ضرورت اولویت‌بندی را دوچندان می‌کند. پرداختن هم‌زمان به همه مسائل بدون تعیین مسئول مشخص و جدول زمانی، خطر پراکندگی اقدامات را افزایش می‌دهد.

راه مؤثرتر آن است که دولت چند تعهد محدود اما قابل اندازه‌گیری اعلام کند؛ برای مثال کاهش قطعی انرژی صنایع، انتشار عملکرد شرکت‌های زیان‌ده و حذف مقررات مشخصی که سرمایه‌گذاری را دشوار کرده‌اند. ارائه گزارش دوره‌ای از پیشرفت این تعهدات می‌تواند گفت‌وگوی دولت و مردم را از سطح برداشت‌های کلی به ارزیابی نتایج منتقل کند.

در نهایت، سخنان پزشکیان و مهاجرانی دو بخش مکمل یک ضرورت ملی را یادآوری می‌کند: شناخت دشواری‌ها و حفظ اعتماد عمومی. با وجود این، حلقه تعیین‌کننده میان آن دو، کیفیت اجراست. مردم در شرایط سخت بیش از وعده‌های بزرگ، به تصمیم‌های روشن، رفتار منصفانه و نشانه‌های کوچک اما واقعی بهبود نیاز دارند. اگر دولت بتواند در همین حوزه‌های مشخص پاسخگویی بیشتری نشان دهد، پیام درک مشکلات نیز معنایی عملی پیدا خواهد کرد؛ معنایی که سرمایه اجتماعی را نه فقط در روزهای بحران، بلکه در مسیر بازسازی اقتصاد حفظ می‌کند.

جزئیات طرح دوروزه ایران، شروط بازگشایی تنگه هرمز و آینده مذاکرات با آمریکا

نسخه عراقچی برای عبور از سایه جنگ

در شرایطی که روابط ایران و آمریکا همچنان میان تهدید نظامی، فشار اقتصادی و تلاش‌های دیپلماتیک در نوسان است، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، جزئیات تازه‌ای از پیشنهادهای تهران برای پایان دادن به وضعیت کنونی تشریح کرد. او در گفت‌وگویی مفصل با روزنامه «ایران» که ایسنا منتشر کرده، ضمن تأکید بر نامطلوب بودن وضعیت «نه جنگ، نه صلح»، اعلام کرد تهران همچنان به دستیابی به توافق امیدوار است، اما چنین توافقی باید منافع ملی را تأمین کند و مانع بازگشت درگیری شود. عراقچی همچنین درباره سرنوشت تفاهم اسلام‌آباد، شروط بازگشایی تنگه هرمز، اختلافات هسته‌ای و نقش میانجی‌های منطقه‌ای توضیح داد.

از تفاهم اسلام‌آباد تا طرح دوروزه

به گزارش ایسنا، عراقچی با تشریح روند مذاکرات گذشته گفت ایران و آمریکا پس از گفت‌وگوهای طولانی به یادداشت تفاهم اسلام‌آباد دست یافتند؛ تفاهمی که به گفته او، رؤسای جمهور دو کشور نسخه‌های فارسی و انگلیسی آن را امضا کردند. بااین‌حال، وی مدعی شد نقض یکی از بندهای مهم این تفاهم از سوی آمریکا، زمینه بازگشت درگیری‌ها را فراهم کرد. وزیر امور خارجه تأکید کرد که یادداشت تفاهم اسلام‌آباد دیگر موضوعیت اجرایی ندارد، اما تعهدات پذیرفته‌شده در آن همچنان می‌تواند مبنایی برای توافق جدید باشد. به گفته عراقچی، ایران در اوایل مهرماه طرحی هفت‌روزه را از طریق واسطه قطری به واشنگتن ارائه کرد. بر اساس این پیشنهاد، آمریکا باید طی پنج یا شش روز نخست تعهدات خود، از جمله اقدامات مرتبط با رفع محدودیت‌ها و تحریم‌های جدید، را اجرا می‌کرد. ایران نیز در روز ششم تنگه هرمز را باز می‌کرد و مذاکرات برای توافق نهایی از روز هفتم آغاز می‌شد.

پیشنهادی که به ۴۸ ساعت رسید

عراقچی توضیح داد که با نزدیک شدن انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، میانجی‌ها پیشنهاد کردند زمان اجرای طرح کوتاه‌تر شود. تهران نیز با این درخواست موافقت کرد و چارچوب هفت‌روزه به طرحی دوروزه تبدیل شد. بر اساس این نسخه، آمریکا در روز نخست تعهدات خود را اجرا می‌کرد و ایران در روز دوم، هم‌زمان با بازگشایی تنگه هرمز، مذاکرات نهایی را آغاز می‌کرد. وزیر امور خارجه تأکید کرد که آغاز مذاکرات در روز دوم به معنای دستیابی به توافق نهایی در همان روز نبود. او همچنین گفت طرح دوروزه همچنان روی میز قرار دارد و تهران حتی درباره کوتاه‌تر شدن زمان‌بندی اجرای تعهدات انعطاف نشان می‌دهد؛ مشروط بر اینکه خواسته‌های اصلی ایران تأمین شود. به گفته عراقچی، آمریکایی‌ها پیش از انتخابات پاسخ مساعدی به پیشنهاد ایران ندادند و همین موضوع مانع آغاز روند جدید شد.

دو شرط تهران برای واشنگتن

وزیر امور خارجه درباره امکان ازسرگیری مذاکرات اعلام کرد که آمریکا ابتدا باید به‌صراحت خواهان توافق باشد و سپس اقدامات اعتمادساز انجام دهد. او با اشاره به تغییر مواضع ترامپ گفت تهران نمی‌تواند صرفاً بر اظهارات سیاسی تکیه کند و نیازمند نشانه‌های عملی برای اطمینان از جدیت طرف مقابل است. عراقچی تأکید کرد که ایران درباره شیوه اجرای شروط هفت‌گانه و تنظیم جزئیات توافق آمادگی گفت‌وگو دارد. بااین‌حال، اصل تحقق تعهدات آمریکا را پیش‌شرط بازگشایی تنگه هرمز دانست.

سه جریان در تصمیم‌گیری آمریکا

بخش دیگری از سخنان عراقچی به اختلاف دیدگاه‌ها در ساختار سیاسی آمریکا اختصاص داشت. او معتقد است سه رویکرد متفاوت در واشنگتن بر تصمیم‌های ترامپ تأثیر می‌گذارند.

به گفته وی، یک جریان از گسترش عملیات نظامی حمایت می‌کند و اسرائیل نیز برای تقویت این رویکرد تلاش دارد. جریان دوم دستیابی به توافق دیپلماتیک را مطلوب می‌داند و گروه سوم معتقد است باید بدون ورود به جنگ تازه، فشار اقتصادی و تحریم‌ها علیه ایران ادامه یابد.

عراقچی همچنین اتهامات اخیر درباره برنامه‌های نظامی ایران را رد کرد و آنها را بخشی از فضاسازی برای تشدید تنش دانست.

گره ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم

وزیر امور خارجه درباره سرنوشت ذخایر اورانیوم با غنای ۶۰ درصد نیز توضیح داد. او با اشاره به امکان دستیابی به فرمولی مورد توافق، دو خط قرمز تهران را مشخص کرد: خروج نکردن ذخایر از کشور و استفاده از آنها متناسب با نیازهای ایران. عراقچی گفت میانجی‌ها پیشنهادهای مختلفی در این زمینه مطرح کرده‌اند و برخی از آنها قابلیت بررسی دارند. به اعتقاد وی، دستیابی به راه‌حلی منصفانه امکان‌پذیر است، اما موضوع اورانیوم نباید جدا از مجموعه اختلافات دو کشور بررسی شود. او افزود تصمیم‌های نهایی در چارچوب سازوکارهای شورای عالی امنیت ملی بررسی و تصویب خواهد شد.

دکترین هسته‌ای تغییر نکرده است

عراقچی در پاسخ به پرسشی درباره احتمال بازنگری در دکترین هسته‌ای ایران، این موضوع را بحثی جدی و راهبردی توصیف کرد که موافقان و مخالفان آن استدلال‌های قابل بررسی دارند. او توضیح داد طرفداران تغییر دکترین معتقدند چارچوب‌های نظارتی موجود نتوانسته‌اند مانع حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران شوند. در مقابل، تغییر سیاست فعلی نیز می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای کشور داشته باشد. وزیر امور خارجه ضمن حمایت از ادامه گفت‌وگوهای کارشناسی تأکید کرد که دکترین رسمی هسته‌ای ایران تاکنون تغییری نکرده است. وی همچنین گفت روسیه و چین نیز با تغییر این دکترین موافق نیستند.

صلحی که دوباره به جنگ نرسد

یکی از مهم‌ترین بخش‌های مصاحبه به آینده وضعیت «نه جنگ، نه صلح» اختصاص داشت. عراقچی تأکید کرد که ادامه چنین شرایطی مطلوب نیست و ایران خواهان خروج از آن از طریق توافق است. بااین‌حال، وی هشدار داد توافقی که پس از مدت کوتاهی نقض شود و زمینه بازگشت جنگ را فراهم کند، نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای کشور باشد. او گفت دستیابی به توافق مستلزم بده‌بستان است و دو طرف باید امتیازاتی ارائه کنند، اما این امتیازها نباید به‌گونه‌ای باشد که منافع اساسی ایران نادیده گرفته شود. عراقچی همچنین با اشاره به تجربه توافق‌ها و درگیری‌های گذشته، بر ضرورت دستیابی به ترتیباتی پایدار تأکید کرد که از تکرار چرخه مذاکره و جنگ جلوگیری کند.

امنیت منطقه‌ای بدون اتکا به خارج

وزیر امور خارجه در بخش دیگری از گفت‌وگو، ارزیابی خود را از مواضع کشورهای عربی تشریح کرد. او گفت کشورهای منطقه با آغاز جنگ تازه مخالف‌اند و معتقد است آنها از پیامدهای درگیری‌های گذشته درس گرفته‌اند. عراقچی همچنین تأکید کرد امنیت پایدار باید بر همکاری کشورهای منطقه استوار باشد و حضور پایگاه‌های نظامی خارجی لزوماً امنیت کشورهای میزبان را تضمین نمی‌کند. به گفته او، امنیت، صلح و توسعه اقتصادی مفاهیمی به‌هم‌پیوسته هستند و نمی‌توان انتظار داشت بخشی از منطقه در شرایط ناامنی و فشار اقتصادی قرار داشته باشد، اما سایر کشورها از ثبات پایدار برخوردار شوند.

خبر

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس تشریح کرد

ایران؛ سرزمین فرصت‌های مغفول

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با تأکید بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی، جغرافیایی و انسانی کشور در شرایط جنگ و تحریم، گفت ایران برای عبور از دشواری‌های کنونی باید از روزمرگی فاصله بگیرد و با شناسایی فرصت‌های موجود، زمینه تبدیل آنها به برنامه‌های عملیاتی را فراهم کند. بابک نگاهداری معتقد است برخورداری از موقعیت راهبردی، تنوع اقلیمی، سرمایه انسانی و دسترسی به کریدورهای بین‌المللی، فرصت‌های ارزشمندی برای تقویت قدرت ملی ایجاد کرده که هنوز به‌طور کامل مورد استفاده قرار نگرفته‌اند.

نگاهداری روز شنبه ۳۰ آبان در نشست خبری نخستین همایش ملی و بین‌المللی «ایران؛ سرزمین ظرفیت‌ها» اظهار کرد که فشارهای خارجی نباید موجب غفلت از توانمندی‌های داخلی شود. به گفته وی، دشمنان تلاش می‌کنند ایران را درگیر مسائل روزمره کنند تا امکان برنامه‌ریزی بلندمدت و شناسایی فرصت‌های تازه کاهش یابد. رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس با تشریح برنامه‌های این مرکز گفت بهره‌برداری از فرصت‌های کشور نیازمند سه اقدام اساسی است: شناخت دقیق ظرفیت‌ها، بررسی ارتباط و هم‌افزایی میان آنها و در نهایت تبدیل این توانمندی‌ها به اقدامات اجرایی. وی توضیح داد که صرف تهیه فهرستی از مزیت‌های اقتصادی و جغرافیایی کافی نیست و باید مشخص شود چگونه می‌توان از پیوند ظرفیت‌های صنعتی، کشاورزی، فرهنگی و اجتماعی، فرصت‌های تازه‌ای برای توسعه ایجاد کرد. نگاهداری افزود مرکز پژوهش‌های مجلس در همین راستا، مطالعاتی را درباره فرصت‌های استان‌های مختلف انجام داده و نتایج آن را در قالب اسناد پژوهشی تنظیم کرده است. بااین‌حال، وی اذعان کرد که اقدامات لازم برای استفاده کامل از ظرفیت‌های سرزمینی هنوز انجام نشده است.

دیپلماسی اقتصادی در شرایط جنگی

بخش دیگری از سخنان نگاهداری به ضرورت گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای منطقه و قدرت‌های اقتصادی اختصاص داشت. او اعلام کرد مرکز پژوهش‌های مجلس در شرایط جنگ و پساجنگ رمضان، بسته‌هایی از ابتکارات اقتصادی را برای همکاری با کشورهای مختلف تدوین کرده است. به گفته وی، در چارچوب سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین، نقشه راه عملیاتی مشخصی تهیه شده که هدف آن تبدیل توافق‌های راهبردی به اقدامات اجرایی است. همچنین بسته‌ای برای توسعه همکاری‌های اقتصادی با پاکستان طراحی شده است. نگاهداری با اشاره به کشورهای حاشیه خلیج فارس گفت فرصت‌های همکاری با هر کشور به‌صورت جداگانه بررسی شده تا ابتکارات متناسب با ظرفیت‌های مشترک شناسایی شود.

کریدورها؛ فرصت راهبردی اقتصاد ایران

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، موقعیت جغرافیایی ایران را یکی از مهم‌ترین مزیت‌های توسعه‌ای کشور دانست و تأکید کرد رقابت قدرت‌های بزرگ بر سر کریدورهای بین‌المللی، اهمیت این موقعیت را نشان می‌دهد. وی گفت برنامه‌ریزی صنعتی باید بر اساس ارتباط استان‌ها با زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی انجام شود. برای نمونه، لازم است مشخص شود کدام استان‌ها ظرفیت بیشتری برای پیوند با زنجیره‌های تأمین چین یا بازار محصولات کشاورزی روسیه دارند. به اعتقاد نگاهداری، توسعه صنایع، کشاورزی و حمل‌ونقل بدون توجه به این ارتباطات نمی‌تواند از تمامی فرصت‌های اقتصادی کشور بهره ببرد. او بی‌توجهی به چنین ظرفیت‌هایی را نوعی بی‌مهری به سرزمین ایران توصیف کرد. نگاهداری در ادامه تأکید کرد که افزایش بازدارندگی کشور تنها به تقویت توان دفاعی محدود نمی‌شود و اقتصاد، فناوری و سرمایه اجتماعی نیز از ارکان قدرت ملی محسوب می‌شوند. وی اظهار کرد در شرایط جنگ اقتصادی و تحریم، باید فرصت‌های جدیدی برای رشد اقتصادی شناسایی شود و توانمندی‌های کشور در حوزه‌های مختلف به یکدیگر پیوند بخورند. رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس همچنین نبود پردازش تخصصی و عمیق درباره ارتباط میان ظرفیت‌ها را از ضعف‌های موجود دانست. به گفته او، هرچند فهرست‌هایی از فرصت‌های کشور تهیه شده، استخراج طرح‌های اجرایی از دل این مطالعات همچنان نیازمند توجه بیشتری است. نگاهداری در پایان به ظرفیت ایرانیان مقیم خارج اشاره کرد و گفت تمامی افرادی که به پیشرفت ایران علاقه‌مند هستند، فارغ از محل زندگی خود، می‌توانند در شناسایی و توسعه فرصت‌های کشور مشارکت کنند. وی اعلام کرد مرکز پژوهش‌های مجلس آمادگی دارد پیشنهادها و دیدگاه‌های متخصصان ایرانی خارج از کشور را از مراحل ابتدایی بررسی طرح‌ها دریافت کند.

سرمقاله

شنژن؛ آزمون دیپلماسی سه قدرت در معادله ایران

ادامه از صفحه یک

در میان موضوعات احتمالی این نشست، پرونده ایران و تحولات تنگه هرمز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. دلیل این اهمیت را باید در پیوند مستقیم امنیت منطقه با اقتصاد جهانی جست‌وجو کرد. تنگه هرمز صرفاً یک گذرگاه جغرافیایی نیست؛ بلکه یکی از شریان‌های حیاتی اقتصاد بین‌المللی است که هرگونه اختلال در آن می‌تواند بر بازار انرژی، هزینه حمل‌ونقل، زنجیره تأمین و حتی شاخص‌های تورمی اقتصادهای بزرگ تأثیر بگذارد.

از این منظر، بحران تنگه هرمز دیگر صرفاً مسئله‌ای میان ایران و آمریکا نیست؛ بلکه به موضوعی با ابعاد بین‌المللی تبدیل شده است. چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی جهان، روسیه با توجه به ملاحظات ژئوپلیتیکی و اقتصادی خود و آمریکا به‌واسطه جایگاهش در معادلات امنیتی منطقه، هرکدام انگیزه‌هایی برای جلوگیری از گسترش بحران دارند. اما پرسش اساسی اینجاست که آیا اشتراک منافع این سه قدرت در جلوگیری از تشدید تنش، می‌تواند به توافقی منجر شود که منافع و ملاحظات امنیتی ایران را نیز تأمین کند؟

واقعیت آن است که نمی‌توان انتظار داشت واشنگتن، مسکو و پکن صرفاً بر مبنای ضرورت ثبات منطقه‌ای به تفاهمی برسند که تمام مطالبات تهران را پوشش دهد. هر سه کشور، در کنار همکاری‌های احتمالی، محاسبات مستقل و گاه متعارضی دارند. از همین رو، ایران باید میان فرصت دیپلماتیک ناشی از این نشست و تصور اتکای راهبردی به تصمیم قدرت‌های بزرگ تمایز قائل شود.

یکی از پیچیده‌ترین ابعاد پرونده ایران و آمریکا، نابرابری میان سطح مطالبات و میزان تضمین‌های متقابل است. تجربه مذاکرات گذشته نشان داده است که دستیابی به یک توافق روی کاغذ، لزوماً به معنای برخورداری از ضمانت اجرایی کافی نیست. ایران در هرگونه مسیر دیپلماتیک، با مجموعه‌ای از مطالبات و ملاحظات اساسی مواجه است؛ از جمله پایان دادن به اقدامات نظامی، رفع محدودیت‌ها و فشارهای اقتصادی، تعیین تکلیف محاصره و تحریم‌ها، تضمین عدم تکرار اقدامات خصمانه و تعریف چارچوبی روشن برای موضوع هسته‌ای و مواد غنی‌شده ۶۰ درصدی، در مقابل، آمریکا نیز مطالباتی در حوزه هسته‌ای و ترتیبات مربوط به تنگه هرمز دارد. مسئله اینجاست که چگونه می‌توان میان این مطالبات، توازن ایجاد کرد تا توافق احتمالی به ابزاری برای تحمیل تعهدات یک‌طرفه تبدیل نشود؟

اینجا مفهوم ضمانت اجرایی اهمیت پیدا می‌کند. تهران نمی‌تواند صرفاً به تغییر مواضع سیاسی دولت آمریکا یا وعده‌های دیپلماتیک آن اتکا کند. آنچه اهمیت دارد، ایجاد سازوکاری است که اجرای تعهدات را قابل سنجش و تخطی از آنها را دارای هزینه مشخص کند. در این میان، نقش چین و روسیه می‌تواند قابل توجه باشد. اگر این دو کشور حاضر باشند در چارچوبی مشخص، بر اجرای تعهدات طرفین نظارت کنند و برای جلوگیری از نقض توافق از ظرفیت دیپلماتیک خود بهره بگیرند، امکان شکل‌گیری اعتماد نسبی افزایش خواهد یافت.

البته نظارت سیاسی این دو کشور به‌تنهایی کافی نیست و باید با سازوکارهای حقوقی، فنی و بین‌المللی همراه شود.

تضاد منافع قدرت‌ها و استقلال تصمیم‌گیری ایران

نکته دیگری که در تحلیل این نشست نباید نادیده گرفته شود، تفاوت میان منافع ایران و ترجیحات راهبردی سه قدرت جهانی است. ممکن است واشنگتن، مسکو و پکن در ضرورت بازگشایی مسیرهای تجاری و جلوگیری از اختلال در بازار انرژی اشتراک نظر داشته باشند، اما این اشتراک نظر لزوماً به معنای پذیرش تمام مؤلفه‌های قدرت منطقه‌ای ایران نیست. هرکدام از این کشورها در پی حفظ و گسترش حوزه نفوذ خود هستند و طبیعی است که در برخی موضوعات، ترجیح دهند معادلات منطقه‌ای در چارچوبی تنظیم شود که با منافع راهبردی آنها سازگارتر باشد. از همین رو، تهران باید مراقب باشد که مدیریت بحران به قیمت نادیده گرفتن ملاحظات امنیت ملی و منافع بلندمدت کشور تمام نشود. البته این مسئله به معنای فاصله گرفتن از دیپلماسی یا بی‌اعتنایی به فرصت‌های بین‌المللی نیست؛ بلکه دقیقاً بر ضرورت دیپلماسی هوشمندانه، مبتنی بر واقع‌گرایی و برخوردار از قدرت چانه‌زنی تأکید دارد. در چنین شرایطی، هنر سیاست خارجی آن است که از تضاد منافع قدرت‌های بزرگ برای ایجاد فضای مانور دیپلماتیک استفاده کند، نه اینکه سرنوشت منافع ملی را به توافقات احتمالی آنها گره بزند. به بیان دیگر، ایران باید بتواند از ظرفیت رقابت میان قدرت‌ها برای تأمین منافع خود بهره بگیرد، بدون آنکه به ابزار رقابت هیچ‌یک از آنها تبدیل شود. در سال‌های اخیر، اهمیت ژئوپلیتیکی تنگه هرمز بیش از گذشته در محاسبات امنیتی و اقتصادی جهان برجسته شده است. این اهمیت نشان می‌دهد که امنیت آبراه‌های بین‌المللی و امنیت اقتصادی کشورها، پیوندی ناگسستنی با ثبات سیاسی منطقه دارد. بااین‌حال، باید توجه داشت که تبدیل ظرفیت ژئوپلیتیکی به دستاورد دیپلماتیک، نیازمند محاسبه دقیق هزینه و فایده است. قدرت چانه‌زنی زمانی به نتیجه پایدار منجر می‌شود که بتوان آن را در قالب توافقات متوازن، منافع اقتصادی و تضمین‌های امنیتی تثبیت کرد.

از این منظر، موضوع تنگه هرمز نباید صرفاً در چارچوب بازگشایی یا محدودیت تردد کشتی‌ها بررسی شود؛ بلکه باید به بستری برای تعریف ترتیبات پایدار امنیت دریایی، احترام به حقوق کشورهای ساحلی و جلوگیری از اقدامات تنش‌زا تبدیل شود. اگر نشست شنژن بتواند زمینه‌ای برای چنین تفاهمی فراهم کند، می‌توان آن را گامی در جهت کاهش تنش دانست؛ اما اگر موضوع صرفاً به بازگشایی مسیرهای دریایی بدون توجه به نگرانی‌های امنیتی ایران محدود شود، نمی‌توان انتظار داشت که چنین تفاهمی به حل پایدار بحران منجر شود. در نهایت، باید میان توقف موقت تنش و پایان واقعی بحران تفاوت قائل شد. وضعیت نه جنگ و نه صلح، محصول مجموعه‌ای از اختلافات انباشته‌شده، فقدان اعتماد متقابل، نبود تضمین‌های معتبر و استمرار سیاست‌های فشار است. بنابراین، پایان دادن به این وضعیت نیز مستلزم حل مجموعه‌ای از مسائل به‌هم‌پیوسته خواهد بود.

نشست شنژن می‌تواند فرصتی برای آغاز یک مسیر تازه باشد؛ مسیری که در آن، به‌جای تشدید تقابل نظامی، منطق گفت‌وگو و تفاهم جایگزین شود. اما تحقق چنین مسیری به اراده سیاسی طرفین، پذیرش واقعیت‌های ژئوپلیتیکی منطقه و احترام به حقوق و منافع متقابل وابسته است. آمریکا باید بپذیرد که نمی‌توان از یک کشور انتظار داشت در شرایط تهدید نظامی و فشار اقتصادی، بدون دریافت تضمین‌های معتبر، به تعهدات یک‌جانبه تن دهد. در مقابل، ایران نیز باید با حفظ اصول و ملاحظات امنیت ملی، از فرصت‌های دیپلماتیک برای کاهش هزینه‌های اقتصادی و سیاسی تقابل استفاده کند. در این میان، چین و روسیه نیز باید نشان دهند که نقش آنها صرفاً به میانجیگری برای مدیریت مقطعی بحران محدود نمی‌شود و آمادگی دارند برای ایجاد سازوکارهای پایدار و متوازن، مسئولیت سیاسی و دیپلماتیک بپذیرند. صلح پایدار محصول توافق قدرت‌های بزرگ بر سر سرنوشت دیگر کشورها نیست؛ بلکه نتیجه پذیرش متقابل منافع، حقوق و ملاحظات امنیتی بازیگران اصلی است. نشست شنژن اگر بتواند این واقعیت را به نقطه مشترک گفت‌وگوهای خود تبدیل کند، شاید فرصتی برای عبور از بن‌بست کنونی فراهم آورد. اما اگر قرار باشد ایران صرفاً موضوع معامله و چانه‌زنی سه قدرت جهانی باشد، نباید انتظار داشت که چنین نشستی به‌تنهایی معادله پیچیده تهران و واشنگتن را تغییر دهد. اکنون پرسش اصلی این نیست که سه قدرت جهانی درباره ایران به چه تفاهمی خواهند رسید؛ پرسش مهم‌تر آن است که آیا این قدرت‌ها حاضرند واقعیت جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای را به رسمیت بشناسند و بپذیرند که هیچ توافق پایداری بدون مشارکت، اراده و پذیرش طرف ایرانی شکل نخواهد گرفت؟